



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## بیان مسأله

آیات و روایات متعددی در زمینه‌ی تاریخ و اجتماع وجود دارد، قرآن داستان‌هایی از مردم و امت‌های گوناگون ارائه می‌دهد تا این که وسیله‌ای برای استنباط قوانین کلی جوامع بشری باشد و این که ترسیم کند جوامع با توجه به مسیری که انتخاب می‌کنند چه آینده‌ای در پیش خواهند داشت. واژه‌ی خاصی که در متون اسلامی برای قانونمندی جامعه و تاریخ به کار می‌رود «سنت» نام دارد. علما و دانشمندان اسلامی تعاریف مختلفی از سنت داشته‌اند که به ذکر آن‌ها پرداخته می‌شود. «سنت» در نزد اهل لغت به معنای روش، قانون، سیره و طبیعت (صفی‌پور، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۹۱) و نیز به معنای فرض، لازم، راه دین و شریعت آمده است. (فیروزآبادی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۳۳۶)

در مفردات نیز واژه‌ی «سنت» این‌گونه تعریف شده است: «سنت یعنی طریق و راهی که پیامبر ﷺ می‌پیماید و سنت الاهی طریق حکمت الاهی و راه اطاعت از خداوند می‌باشد». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۲۹)

در تفسیر مجمع‌البیان در مورد این واژه آمده است: «سنت، راه و مسیر قراردادی است که باید از آن پیروی شود». (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۸۴۱)

علامه طباطبایی هم در کتاب خود، تفسیر المیزان آورده است: «کلمه‌ی سنت به معنای طریقه‌ی معمول و رایج است که به طبع خود غالباً یا دائماً جاری باشد». (۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۴۰)

مصباح یزدی در کتاب «جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن» در مورد این کلمه آورده است: «کلمه‌ی سنت، راه و رسم و روش و شیوه‌ای است که استمرار داشته باشد، این واژه به همین معنا در قرآن هم در مورد انسان و هم در مورد خداوند به کار رفته است و به همین معناست که در اصول فقه قول و فعل و تقریر معصومین علیهم‌السلام را که احادیث و روایات حاکی

از آن است سنت می‌نامند و سنن الاهی بر ضوابطی که در افعال الاهی وجود دارد یا روش‌هایی که خداوند متعال امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند، اطلاق می‌شود.» (۱۳۷۲ش، ص ۴۲۵)

استاد مطهری هم در مورد این واژه بیان کرده‌است: «آنچه در اصطلاح فلسفه به نام نظام جهان و قانون اسباب خوانده می‌شود، در زبان دین سنت الاهی نامیده می‌شود.» (۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۱۳۵)

با دقت در تعاریف فوق، می‌توان گفت: سنت‌های الاهی آن بخش از تدبیر و سازماندهی خداوند را دربرمی‌گیرد که استمرار داشته و رویه و روش غیر قابل تبدیل و تحویل خداوند است، این معنای وسیع دربرگیرنده‌ی تمام موجودات از جمله انسان و زندگی فردی و اجتماعی اوست و بر هر موجودی در هر زمان و تحت هر شرایط یک یا چند سنت الاهی حکومت می‌کند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵ش، ص ۳۹۰)

آنچه در این مقاله در مورد آن بحث می‌گردد، یک نوع از سنن الاهی است که از آن به سنت‌های اجتماعی یاد می‌شود و تمایز این سنت‌ها با سنن دیگر این است که این سنت‌ها زمینه و بستر اجتماعی دارند.

حدود هشت قرن بعد از نزول قرآن «ابن‌خلدون» متوجه استخراج این امر از قرآن شد. از نظر وی، اجتماع مانند مسایل طبیعی دیگر در حرکات خود از یک سنت پیروی می‌کند. (۱۳۷۵ش، ص ۱۵۶) ولی بعد از وی این اندیشه پیگیری نشد. بعد از آن دیدگاه‌های مختلفی در دنیای غرب در این باره مطرح گردید. جامعه‌شناسان غربی نظریه‌های مختلفی در این باره ارائه دادند، که به شرح زیر است:

- ۱- امور اجتماعی قانونمند نیست و نمی‌توان از قوانین اجتماعی نام برد. «دیوید هیوم»<sup>۱</sup> فیلسوف اسکاتلندی و پیروانش به وجود هیچ قانونی اعم از طبیعی، تاریخی و اجتماعی و روانی باور ندارند چرا که انسان دارای اراده آزاد و اختیار است و این اختیار ضرورت و کلیت قوانین را در هم می‌شکند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۲ش، ص ۱۳۱)
- ۲- امور اجتماعی قانونمند است، ولی هر جامعه‌ای قوانین خاص خود را دارد. این اعتقاد از آن کسانی است که هر جامعه‌ای را پدیده‌ای یکتا و واحد می‌پندارند که با هیچ جامعه‌ی دیگری مشابهت ندارد. در نتیجه، قوانینی که بر آن حاکم است با قوانین حاکم بر یکایک جوامع دیگر متفاوت است. «اشپنگلر»<sup>۲</sup> از فلاسفه‌ی بزرگ آلمان و از جمله

1- David Hume

2- Spengler



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

یک موضوع شروع می‌شود و نظر قرآن در مورد آن بیان می‌گردد؛ این روش را «توحیدی» نیز نامیده‌اند چرا که بین تجربه بشر و قرآن جمع می‌گردد و یک نظریه‌ی واحد در مورد موضوع ارائه می‌شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ص ۳۸۲)

آیت‌الله صدر، قبل از ورود به بحث سنت‌های تاریخی در قرآن مطالبی را در مورد تفسیر ترتیبی بیان می‌کند. ایشان این تفسیر را تجزیه‌ای می‌نامد و در مورد آن معتقد است: «در تفسیر ترتیبی، کشف معانی لفظی آیه مورد نظر است که هدف آن فهم مدلول لفظی آیه‌ی مورد بحث است که مفسر با آن مواجه است. در تفسیر تجزیه‌ای ارتباط و همبستگی میان آیات مدنظر نیست هر چند در برخی از موارد ارتباط برقرار می‌شود». (صدر، بی‌تا، ص ۲۲-۲۳)

شیوه‌ی تفسیر موضوعی در دیدگاه شهید صدر تنها راهی است که فرد را قادر می‌سازد تا در برابر موضوع‌های مختلف زندگی به نظریه‌ی اساسی قرآن دست یافت.

شهید صدر در ابتدای بحث سنت‌های اجتماعی با طرح سؤالاتی به سراغ بحث رفته است. وی درباره‌ی ویژگی‌های تفسیر موضوعی بیان می‌کند: «یکی از ویژگی‌های تفسیر موضوعی این است که مفسر پرسشگر است و تلاش می‌کند به پاسخ پرسش‌های مورد نظر خود از زبان قرآن دست یابد و آیه‌ها را به سخن وادارد». (صدر، ۱۴۰۹ق، ص ۴۸)

وی برای ارائه‌ی نظریه در خصوص موضوع مورد بحث، نخست به طرح سؤال‌هایی در خصوص سنت‌های تاریخی در قرآن می‌پردازد. به عنوان نمونه در ابتدای بحث از سنت‌های اجتماعی سؤالاتی را مطرح می‌کند: آیا تاریخ بشری در مفهوم قرآن کریم سنت‌هایی دارد؟ آیا قرآن در مورد این قوانین نظری دارد یا نه؟ آیا قوانینی در مسیر تاریخ و در حرکت تاریخ بشری حاکم است؟

در ادامه، برای تبیین موضوع پس از استخراج آیات مرتبط با موضوع، آیات را دسته‌بندی می‌کند و با توجه به آیات قرآن و علوم مرتبط با این موضوع مانند: فلسفه، جامعه‌شناسی و اقتصاد به پرسش‌های مطرح شده پاسخ می‌گوید. همچنین به شبهه‌هایی که در این رابطه وجود دارد، پاسخ می‌دهد و نظر اسلام را در این زمینه ارائه می‌دهد. نکته‌ی مهم آن که یکی دیگر از امتیازات مهم روش مرحوم صدر، پرداختن به دیدگاه‌های مختلف و علوم روز در ارتباط با موضوع و دستیابی به نظریه‌ی اسلام در خصوص سنت‌های اجتماعی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

کنند که سیر در زمین چه‌بسا آدمی را وادار به تفکر کند که چه شد که این امم نابود شدند و در جستجوی دلیل آن متوجه این دلیل شوند که هلاکت آنان به خاطر شرک به خدا و اعراض از آیات او و استکبار در مقابل حق و تکذیب رسولان بوده است، آن وقت است که صاحب قلبی می‌شوند که با آن تعقل می‌کنند و همان عقل و قلب، مانع از شرک و کفر می‌شود». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۸۸)

هم‌چنین قرآن با بیان سنت اجتماعی می‌خواهد انسان را از دو تفکر افراط و تفریط بر حذر دارد تا انسان تصور نکند که تسلیم محض قضا و قدر است و نمی‌تواند سرنوشت خویش را تغییر دهد و یا این که فکر نکند آزاد مطلق است. هم‌چنین با شناخت سنت‌های تاریخی می‌توان برنامه‌ریزی دقیقی برای آینده انجام داد. پس، از مجموع این آیات، مفهوم سنت‌های تاریخ شکوفا می‌شود و این آیات با صراحت اعلام بیان می‌کند سنت‌هایی در زمینه تاریخ وجود دارد که باید انسان با تدبّر و تأمل با آن‌ها مواجه شود.

شهید محمدباقر صدر موضوع سنت‌های اجتماعی را در سه مبحث مورد بررسی قرار داده است:

۱) بیان سنت‌های تاریخی در قرآن، ۲) ویژگی‌های سنت‌های تاریخی در قرآن، ۳) شکل و چهره سنت‌های اجتماعی در قرآن.

## ۱- بیان سنت‌های تاریخی در قرآن

شهید محمدباقر صدر در کتاب «المدرسة القرآنية» بیان می‌کند، اندیشه‌ی قرآن از سنت‌های تاریخ، در آیات فراوانی شکوفایی دارد که به شکل‌ها و بیان‌های متفاوت مطرح شده است. هم‌چنین قرآن، تاریخ بشری را دارای سنن و قوانین می‌داند ولی هیچ‌گاه مانع استعداد‌های بشری نیز نگردیده است. انسان اگر تلاش کند به نتیجه مطلوب می‌رسد: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (النجم، ۳۹) یعنی: و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.

شهید صدر در مورد روش خود در ابتدای بحث سنت‌های تاریخی بیان می‌کند: «مفسّر روش موضوعی حرکت خود را از نص قرآن آغاز نمی‌کند، بلکه از زندگی عالم خارج و تجربیات شخصی شروع می‌نماید و قرآن به تناسب استعدادهای و دستاوردهایی که مفسّر از تجارب بشری دارد به او پاسخ می‌دهد». (صدر، ۱۴۰۹ق، ص ۱۱)





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

هم‌چنین او در مورد این که چه‌گونه با توجه به این آیات اصل کلی، سنت‌های اجتماعی اثبات می‌گردد هیچ تفسیری ارائه نمی‌دهد، در صورتی که استفاده از منابع تفسیری در فهم آیات قرآن مهم به نظر می‌رسد. «مقصود از منابع تفسیری مستندات و یا معلوماتی است که به کمک آن‌ها آیات قرآن تفسیر می‌گردد و بدون استعانت از آن‌ها نمی‌توان به مراد الهی و مطالب نهفته در متن قرآن دسترسی حاصل کرد». (مؤدب‌پور، ۱۳۸۸ش، ص ۲۱۱)

«علامه طباطبایی» در تفسیر این آیات می‌فرماید: «هر امتی حیاتی اجتماعی و حیاتی فردی که مخصوص تک تک افراد است دارد، حیات اجتماعی هر امتی از بقاء و عمر آن مقداری دارد که خداوند سبحان برایش مقدر کرده است و هم‌چنین از سعادت و شقاوت و عقاب سهمی را دارد که خداوند متعال برایش معین فرموده است». (۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۷۳)

بنابراین با توجه به تفسیر المیزان این آیات تنها بر اجل همگانی امت‌ها و جوامع دلالت دارد و این مسأله که تاریخ بشری دارای سنن و قوانین کلی است اثبات نمی‌گردد.

#### ب) سنت کیفر دنیوی جوامع:

شهید صدر با استشهاد به دو آیه زیر به اثبات سنت‌های اجتماعی در شکل کلی می‌پردازد. «و رَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْثِقًا، وَ تِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ جَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا» (الکهف، ۵۸ و ۵۹) یعنی: و پروردگار تو آمرزنده [و] صاحب رحمت است اگر به [جرم] آن چه مرتکب شده‌اند آن‌ها را مؤاخذه می‌کرد، قطعاً در عذاب آنان تعجیل می‌نمود [ولی چنین نمی‌کند] بلکه برای آن‌ها سررسیدی است که هرگز از برابر آن راه‌گریزی نمی‌یابند [و مردم] آن شهرها چون بیدادگری کردند هلاک‌شان کردیم و برای هلاکت‌شان موعدی مقرر داشتیم.

«و لَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا» (الفاطر، ۴۵) یعنی: و اگر خدا مردم را به [سزای] آن چه انجام داده‌اند



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

علامه طباطبایی هم در مورد این آیه می‌فرماید: «این آیات در مقام تهدید کفار است، کفاری که فساد اعمال‌شان به حدی رسیده که دیگر امید صلاح از ایشان منتفی شده است و این قسم فساد مقتضی نزول عذاب فوری و بدون مهلت است، چون دیگر فایده‌ای غیر از فساد در باقی ماندنشان نیست، لیکن خدای تعالی در عذاب‌شان تعجیل نکرده هر چند که قضای حتمی به عذاب‌شان مقدر کرده است. به همین مناسبت است که آیه، تهدید را که متضمن صریح قضای در عذاب است با جمله‌ی «وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ» افتتاح نموده تا به وسیله‌ی آن دو وصفی که در آن است عذاب معجل را تعدیل نماید و اصل عذاب را مسلم کند تا حق گناهان مقتضی عذاب رعایت شده باشد و حق رحمت و مغفرت خدا را هم رعایت کرده باشد و به آن خاطر عذاب را تأخیر اندازد». (۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۳۳۳)

بنابراین با توجه به سیاق، آیات مورد نظر در مقام تهدید کفار است و این که افراد بی‌گناه هم شامل عذاب می‌گردند اثبات نمی‌شود و آیات به اصل لزوم کیفر دنیوی اشاره دارد.

دومین نکته‌ی مهم دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی النجم است که خداوند در این آیه به صراحت اعلام می‌کند که هیچ کس بار گناه دیگری را به عهده نمی‌گیرد.

«أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى؛ وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (النجم، ۳۸-۳۹) یعنی: که هیچ بردارنده‌ای بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.

واژه‌ی «وزر» به معنای سنگینی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۶۷) و به معنای ثقل است، ولی استعمالش بیشتر در گناه رواج یافته و کلمه‌ی «وازره» به معنای گنه‌کار است که باید سنگینی گناه را تحمل کند، و این آیه می‌خواهد همان مطلبی را که در صحف ابراهیم و موسی آمده حکایت کند». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۴۶) «این مطلب از جمله مطالب کتاب‌های موسی و ابراهیم است، یعنی انسان پاداشی جز پاداش عمل خودش را ندارد و پاداش عمل دیگری را به او نمی‌دهند، و اگر عملی انجام نداده باشد، هیچ‌گاه استحقاق پاداش یا مجازاتی نخواهد یافت». (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۲۷۲/مراغی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۲)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**الف) سنت‌های ملل پیشین:**

شهید صدر با توجه به آیه زیر که بر وجود سنت‌ها در ملل گذشته دلالت دارد، به اثبات سنت‌ها و قوانین حاکم بر تاریخ در شکل مصداقی می‌پردازد.

«قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران، ۱۳۷) یعنی: به یقین، پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چه‌گونه بوده است.

در این آیه مردم به پی‌جویی از حقیقت و رویدادهای اقوام گذشته و کشف قوانین حاکم بر جوامع و عبرت گرفتن از کار آنان تشویق شده‌اند. (صدر، ۱۴۰۹ق، ص ۵۶) در برخی تفاسیر هم به این سنت اشاره شده است.

(ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۲۳ / فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۷۳)

در تفسیر المنار در ذیل این آیه آمده است: «کلمه‌ی «خلت» به معنای این‌که امر بشر در اجتماع‌شان بر طریق واحد است و آن‌چه از درگیری حق و باطل و جنگ‌ها و ملک و سیادت و غیره عارض شود، هر آینه بر طریق ثابت و قواعد لایتغیر جریان دارد که مقتضای نظام عالم است». (رشیدرضا، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۴۰)

**ب) عدم استثناء در سنت تاریخ:**

شهید صدر با توجه به این آیه بیان می‌کند که هیچ جامعه‌ای از سنن الهی مستثنی نیست.

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمُ الْبِأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ زَلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» (البقره، ۲۱۴) یعنی: آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و حال آن‌که هنوز مانند آن‌چه بر [سر] پیشینیان شما آمد بر [سر] شما نیامده است آنان دچار سختی و زیان شدند و به تکان درآمدند تا جایی‌که پیامبر و کسانی‌که با وی ایمان آورده بودند گفتند پیروزی خدا کی خواهد بود هشدار که پیروزی خدا نزدیک است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۲- ویژگی‌های سنت‌های تاریخی از دید قرآن

شهید صدر با توجه به آیات قرآن سه ویژگی برای سنت‌های تاریخی بیان می‌کند.

۱- عمومیت داشتن: اولین مطلب آن که این سنت‌ها عمومیت دارند. ایشان در مورد این ویژگی به این آیات استناد می‌کند:

- «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (الأحزاب، ۶۲) یعنی: درباره‌ی کسانی که پیش‌تر بوده‌اند [همین] سنت خدا [جاری بوده] است و در سنت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت.
- «سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَ لَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا» (الإسراء، ۷۷) یعنی: سنتی که همواره در میان [امت‌ها] فرستادگانی که پیش از تو گسیل داشته‌ایم [جاری] بوده است و برای سنت ما تغییری نخواهی یافت.
- «وَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَ لَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ» (الأنعام، ۳۴) یعنی: و برای کلمات خدا هیچ تغییردهنده‌ای نیست و مسلماً اخبار پیامبران به تو رسیده است.

به نظر شهید صدر، این آیات همگی بر ویژگی عام و فراگیر سنن اجتماعی دلالت دارند. (۱۴۰۹ق، ص ۶۶)

در بررسی دیدگاه وی می‌توان گفت یکی از کارهایی که مفسران برای فهم آیات قرآن از آن بهره می‌گیرند، مراجعه به کتاب‌های لغت و تفسیری زمان نزول قرآن یا نزدیک به آن زمان است که این روش موجب فهم بهتر آیات قرآن می‌گردد. بیشتر مفسران توجه به مفاهیم و آگاهی از معانی و مفردات قرآن را از شرایط ضروری هر مفسر می‌دانند. (سیوطی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵۵)

«مقصود از لغت به عنوان منبع تفسیر، هر آن چیزی است که در شناسایی معنی واژه‌ها و کاربردهای آن، مفسر را یاری می‌کند و شامل آراء صاحبان لغت، موارد کاربرد واژه در قرآن و روایات، فرهنگ عامه و ... است. بنابراین دریافت مراد الاهی با کمک استعمالات و معنی‌شناسی لغات به ویژه در عصر نزول، از جمله‌ی منابع مهم است.» (مؤدب‌پور، ۱۳۸۸ش، ص ۲۵۲)

شهید صدر در روش خود کار تفسیری و لغوی درباره‌ی آیات انجام نمی‌دهد. برای روشن شدن این موضوع که آیا آیات مورد نظر به عمومیت داشتن سنن اجتماعی اشاره دارند یا خیر؟ باید مفهوم «تبدیل»، «تحویل» و «کلمه» را





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- ﴿وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ (الجن، ۱۶) یعنی: و اگر [مردم] در راه درست پایداری ورزند قطعاً آب گوارایی به آن‌ها نوشانیم.

«جمله‌ی ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ﴾ چکیده‌اش این است که خداوند چنین حکم رانده و حکمش را حتمی کرده که نعمت‌ها و موهبت‌هایی که به انسان می‌دهد مربوط به حالات نفسانی خود انسان باشد، که اگر آن حالات موافق با فطرتش جریان یافت آن موهبت‌ها هم جریان داشته باشد، به عنوان نمونه اگر مردمی به خاطر استقامت فطرت‌شان به خدا ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند، به دنبال آن نعمت‌های دنیا و آخرت به سویشان سرازیر شود. بنابراین هر وقت که آنان حال خود را تغییر دادند، خداوند هم نعمت را به نعمت مبدل سازد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۳۸۳) با تدبّر در این آیات مشخص می‌گردد هر گونه تغییر مطلوب در زندگی انسان به دست خود اوست و هرگاه صراط مستقیم را دنبال کند، خداوند انسان را از زندگی خوب بهره‌مند می‌سازد. بنابراین مسأله‌ی انتخاب و اراده‌ی انسان در ترسیم‌ی که قرآن نسبت به این سنن دارد، نقش اساسی را ایفا می‌کند. (صدر، ۱۴۰۹ق، ص ۷۴) در بررسی گفتار شهید صدر می‌توان گفت با بررسی آیات قرآن ملاحظه می‌گردد قرآن ویژگی‌های دیگری هم برای سنن اجتماعی مطرح کرده است که به آن اشاره می‌گردد:

**الف) دنیوی بودن سنت‌ها:** سنت‌های اجتماعی اختصاص به این جهان دارد گر چه پاداش یا عقوبت و عذاب خداوندی شامل آخرت نیز هست. اما آن تدبیر و رویه‌های خداوند که در دنیا اجرا می‌شود، مشمول سنن اجتماعی قرار می‌گیرد. ﴿وَ تِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ جَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا﴾ (الکهف، ۵۹) یعنی: و [مردم] آن شهرها چون بیدادگری کردند، هلاکشان کردیم و برای هلاکت‌شان موعدی مقرر داشتیم.

**ب) رابطه و تأثیر سنن اجتماعی بر یکدیگر:** از جمله ویژگی‌های سنن اجتماعی، تأثیرگذاری سنن بر یکدیگر و تأثیرپذیری سنت‌ها از یکدیگر است. سنت‌ها در واقع مجموعه‌ی قوانینی هستند که در این راستا و با هدفی معین در جهان هستی جاری است. از این‌رو، بعضی مصداق سنت عام و برخی به عنوان شرط تحقق سنت دیگر و در مواردی نیز



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱- سنت‌ها و قوانین تاریخی به صورت قضایای شرطی: به اعتقاد شهید صدر بسیاری از سنت‌های تاریخی در قرآن به صورت قضیه‌ی شرطیه بیان شده است. منطبق قرآن در بسیاری از سنن اجتماعی، برقراری رابطه‌ای مشروط بین حوادث و روی داده‌های تاریخی است. (۱۴۰۹ق، ص ۸۸)
- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (الرعد، ۱۱) یعنی: درحقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.
- ﴿وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ (الجن، ۱۶) یعنی: و اگر [مردم] در راه درست پایداری ورزند قطعاً آب گوارایی به آن‌ها نشانیم.
- «خداوند نعمت و خوشی قومی را تغییر نمی‌دهد، جز این‌که آن‌ها تغییر روش و روحیه دهند و دست از طاعت حق برداشته، به عصیان و بی بند و باری گرایند و دست ستم بر سر یکدیگر گشایند». (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶ ص ۴۳۲)
- ۲- سنت‌ها و قوانین تاریخی در شکل قضایای قطعی و تحقق یافته: این سنت‌ها مشروط به شرطی نیستند و انسان در مقابل این قضایا از خود اختیاری ندارد و حتی امکان تعدیل‌سازی آن هم وجود ندارد، زیرا این قضایا در قالب قطعی طرح ریزی شده است. (صدر، ۱۴۰۹ق، ص ۹۱) شهید صدر برای این شکل از سنت‌ها آیه‌ی خاصی مطرح نمی‌کند.
- یکی از سنت‌های تاریخی که در شکل قضایای قطعی و تحقق یافته می‌توان مطرح کرد، سنت «هدایت انسان‌ها توسط انبیاء ﷺ» است. آیاتی که در قرآن به این سنت‌ها اشاره دارند، شامل موارد ذیل است:
- ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ﴾ (النحل، ۳۶) یعنی: و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را پرستید و از طاغوت [فریب‌گر] بپرهیزید، پس از ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است.
- ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ إِنَّ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾ (الفاطر، ۲۴) یعنی: ما تو را به حق [به سمت] بشارت‌گر و هشداردهنده گسیل داشتیم و هیچ امتی نبوده مگر این‌که در آن هشداردهنده‌ای گذشته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

شهید صدر بیان می‌کند: «در این آیه دین، تنها قانون تشریحی نیست. دین فطرت الاهی است که خداوند مردم را به آن سرشته است. هم‌چنین دین یک امر مربوط به تمدن نیست که در طول تاریخ انسان آن را کسب کرده باشد یا بتوان آن را به کسی بخشید. زیرا در این صورت دیگر نمی‌تواند فطرت الاهی باشد دین خلقت غیر قابل تبدیل خداوند در انسان است». (۱۴۰۹ق، ص ۹۹)

### نتیجه‌گیری

قرآن برای اولین بار به قانونمندی تاریخ اشاره کرده است. در دنیای اسلام «آیت‌الله شهید محمد باقر صدر» با توجه به روش تفسیر موضوعی یا توحیدی که خود پی‌ریزی کرده است، در کتاب «التفسیر الموضوعی الفلسفة الاجتماعية فی المدرسة القرآنية» در زمینه‌ی سنت‌های اجتماعی در قرآن به تفصیل سخن گفته‌اند. طرح سؤال‌های گوناگون برای درک بهتر موضوع، استخراج و دسته‌بندی آیات مرتبط با موضوع، استفاده از علوم روز و پاسخ‌گویی به شبهه‌ها و در نهایت ارائه‌ی نظریه در این خصوص از امتیازهای روش شهید صدر محسوب می‌گردد.

وی، موضوع سنت‌های اجتماعی را در سه مبحث (۱) بیان سنت‌های تاریخی در قرآن، (۲) ویژگی‌های سنت‌های تاریخی در قرآن، (۳) شکل و چهره‌ی سنت‌های اجتماعی در قرآن، مورد بررسی قرار داده است.

مرحوم صدر بر این باور است که بیان سنت‌های تاریخی در قرآن به دو شکل کلی و مصداقی آمده است، وی ویژگی‌های سنت‌های تاریخی را عمومیت داشتن، الاهی بودن و آزاد و مختار بودن انسان مطرح می‌کند. از دیدگاه او سنت‌های اجتماعی به سه شکل قضایای شرطی، قضایای قطعی و تحقق یافته و گرایش طبیعی بیان شده است.

حاصل کلام در این مقاله این است که دریافت مراد الاهی با کمک استعمالات و معنی‌شناسی لغات به ویژه در عصر نزول، هم‌چنین اصل پیوستگی سخن و قرینه بودن سیاق، برای فهم آیات قرآن از جمله منابع مهم در روش فهم قرآن است که مفسران روش ترتیبی به خصوص علامه طباطبایی در تفسیر خود از آن بهره برده است به نظر می‌رسد در تفسیر موضوعی شهید صدر در بحث سنت‌های تاریخی به این منابع توجه کمتری شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱۸- الطباطبایی، محمد حسین، *تفسیر المیزان*، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- ۱۹- الطبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
- ۲۰- الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ۲۱- فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
- ۲۲- فیروز آبادی، مجد الدین، *القاموس المحیط*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۲۳- فیض کاشانی ملا محسن، *الأصفی فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- ۲۴- کاشانی، ملا فتح الله، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی علمی، چاپ سوم، ۱۳۳۶ش.
- ۲۵- مراغی، احمد بن مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر، *پیام قرآن*، قم، انتشارات نسل جوان، بی تا.
- ۲۷- مصباح یزدی، محمد تقی، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، بی جا، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۲ش.
- ۲۸- مطهری، مرتضی، *مجموعه‌ی آثار*، قم، نشر صدرا، ۱۳۷۵ش.
- ۲۹- مؤدب پور، سیدرضا، *مبانی تفسیر قرآن*، قم، دانشگاه قم، ۱۳۸۸ش.



